

کار خبرنگاری راین در ابتدا به همان حوزه شهر بوشهر محدود بود، اما این فعالیت بتدریج گسترده شد و به همکاری با برخی از مطبوعات پایتخت نیز انجامید و در مجله تهران مصور، آتش و اطلاعات مقاله می نوشت. به دلیل انتشار خبری علیه رزم آرا از اطلاعات اخراج و در مجله روشنفکر فعالیت خود را از سر گرفت

انتشارات امیرکبیر



وی در سال ۱۳۳۶ مؤسسه جمع آوری اخبار و تأمین اخبار جراید را با کمک بهرام بوشهری تأسیس کرد. ساواک درباره عملکرد این مؤسسه معتقد بود، راین به منظور کسب اخبار با طبقات مختلف مردم از جمله شخصیت های داخلی و خارجی ارتباط می گیرد و با توجه به بصیرت و تیزهوشی ذاتی تحت پوشش مزبور اطلاعاتی نیز برای عوامل خارجی تهیه می کند.

بر اساس همین شناخت، ساواک با او مرتبط شد و آغاز همکاری او با ساواک از تاریخ ۱۳۴۲/۱۱/۱۲ با ماهانه ۱۰ هزار ریال و با نام مستعار «منوچهر» و کدهای ۱۱ و ۱۴۹۸ بود. او سپس از همکاران «اداره کل نهم ساواک» شد. اداره ای که محل تجمع نخبان محسوب می شد. حتی گفته شده در همان کتاب جنجالی اش نیز، دستور صریح سرتیپ علوی کیا (معاون ساواک) مبنی بر اینکه «به راین هر قدر ممکن است کمک شود» اخذ کرده بود. برادرش پرویز راین در خبرگزاری آسوشیتد پرس مشغول و با او در تعامل بود. بنا به گزارش سفارت ایران در کویت، روزنامه «الرأی العام» در مورخه ۱۰ شهریور ۱۳۴۴ فاش ساخت شش نفر از روزنامه نگاران ایرانی از جمله نماینده مجله تهران مصور [اسماعیل راین] به اسرائیل سفر کرده و خود را از نمایندگان مطبوعات ایران معرفی کرده اند. راین نامبرده از اعضای پایه گذار اتحادیه نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات بود و چندین

ساواک و راین

اسماعیل راین در سال ۱۲۹۸ در بوشهر متولد شد. مدتی در اداره پست مشغول به کار شد و سپس در عرصه مطبوعات و خبرنگاری شروع به فعالیت کرد. کار خبرنگاری راین در ابتدا به همان حوزه شهر بوشهر محدود بود، اما این فعالیت بتدریج گسترده شد و به همکاری با برخی از مطبوعات پایتخت نیز انجامید و در مجله تهران مصور، آتش و اطلاعات مقاله می نوشت. به دلیل انتشار خبری علیه رزم آرا از اطلاعات اخراج و در مجله روشنفکر فعالیت خود را از سر گرفت. قبل از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، با حزب توده همکاری می کرد و از طرف حزب به جشنواره جهانی جوانان در بخارست اعزام شد. آثار راین در ازای دریافت وجه از دربار یا محافل معین بود و اهداف مشخصی را پی می گرفت.



عبدالحجیم جعفری

مظفر بقایی



دوره ریاست هیأت مدیره و عضویت هیأت اجرایی آن را به عهده داشت. (۷)

او، چنانکه در ابتدای این متن اشاره شد، تا آخر به شاه وفادار ماند و در ماه های واپسین سلطنت شاه، موضع خود را درباره شاه این گونه اعلام کرد که «اگر قرار باشد در تمام دنیا نوکری کسی را بکنم نوکری شاه را می پذیرم... کاری که شاه درباره اصلاحات انجام داده پیغمبر انجام نداده و به همین دلیل او را قبول دارم...» شاه نیز نسبت به نامبرده توجه ویژه ای داشته و او را «از مراسم ملوکانه» برخوردار می کرده است، به عنوان نمونه در تاریخ ۲۳/۱۰/۱۳۴۹ اسماعیل راین به منظور چاپ کتاب دریانوردی ایرانیان از پیشگاه محمدرضا پهلوی تقاضای مساعدت کرد که کتاب مزبور به چاپ رسید و مخارج آن (۲۵ هزار تومان) نیز توسط ساواک تأمین شد.

همچنین در دوران اقامت او در انگلستان همه هزینه زندگی او و وزن و فرزندانش از سوی شاه پرداخت می شده است. راین از دوستان نزدیک و دیرینه فراماسون معروف «فریدون آدمیت» بوده است و بنا بر سند به دست آمده آدمیت هنگامی که سفیر کبیر ایران در شوروی بوده نامبرده را به سمت نماینده مطبوعاتی ایران در مسکو پیشنهاد کرده است.

راین علاوه بر کتاب فراموشخانه، آثار متعدد دیگری همچون «انجمن های سری در انقلاب مشروطیت ایران»، «نخستین چاپخانه در ایران»، «در کرانه های کارون و شط العرب و اسناد تاریخی و حاکمیت ایران»، «من از بحرین آمده ام یا اسناد حقانیت ایران»، «ایرانیان ارمنی»، «دلان بین المللی نفت»، «میرزا ملکم خان زندگی و کوشش او»، «مورگان شوستر و اختناق ایران»، «پسران شوکت قشقایی»، «سفرنامه میرزا صالح شیرازی»، «حقوق بگیران انگلیس در ایران»، «هجوم آمریکا به ایران ۱۹۶۸-۱۸۵۶»، «بمب سازان گرجی و قفقازی در انقلاب های ایران»... و نیز به رشته تحریر درآورد.

مرگ عجیب

اسماعیل راین که به دلیل مخفی بودن همکاری اش با ساواک و رفتار آشکار او در افشای نام فراماسون های انگلیسی، گمان می کرد بعد از انقلاب دارای مقبولیت است؛ سعی به تقویت این بعد از رفتار خویش کرد. از جمله با مراجعه به دادستان کل انقلاب اسلامی، علیه انتشارات امیرکبیر به دلیل تجدید چاپ بدون اجازه آثارش مقصر دانسته و تقاضای احقاق حق خود را رویکرد انقلابی

شاپور ریپورتر



می کند. مصاحبه مظفر بقایی در مصاحبه با دانشگاه هاروارد درباره مرگ او می گوید: «او را کتک زدند و زیر کتک سگته کرد. قبلاً دوبار سگته کرده بود. انتشارات امیرکبیر که [عبدالرحیم] جعفری رئیس آن بود، کتاب های او را بی اجازه تجدید چاپ می کرد. یک کتاب هم بدون اجازه چاپ کرده بود و راین اعلام جرم کرده بود و پنج میلیون تومان ادعای خسارت کرده بود. بعد یک روز با وکیلش و بازپرس می روند به دفتر انتشارات امیرکبیر که دفاتر او را برای ادعای نام تأمین کنند. ایادی جعفری می ریزند سرش و کتک می زنند.» در تاریخ دهم دی ماه ۱۳۵۸ مطبوعات نوشتند: «اسماعیل راین نویسنده کتاب «فراماسونری در ایران» در مقابل شرکت انتشاراتی امیرکبیر ناشر این اثر، در زیر مشیت و لگدها نافر معترض جان سپرد.»

عبدالحجیم جعفری مالک انتشارات امیرکبیر هم روایت مشابهی ارائه داده و می گوید: راین با شکایت موفق شده بود او را تارسیدگی «ممنوع المعامله» کرده و حساب های بانکی انتشارات امیرکبیر را ببندد. جعفری اما از عدم فراموشی انقلابیون نسبت به مطالب وهن آمیز او علیه امام می گوید: «عده ای

منابع: ۱- برای مشاهده متن کامل سند، به این آدرس مراجعه کنید: <https://psri.ir/?id=sxyvw2kVg6> ۲- شیخ حسین لنگرانی به روایت اسناد ساواک، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۳، ص ۱۶۵ ۳- ذوالفقاری، ابراهیم، قصه هویدا، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی، ۱۳۸۶، صص ۲۳۹ تا ۲۵۳ ۴- شهبازی، عبدالله، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، جلد ۲، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی، ۱۳۶۹، صص ۲۴۳ ۵- ارتشبد بهرام آریانا به روایت اسناد ساواک، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۱، صص ۳۱ ۶- فردوست، حسین، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، جلد ۱، ویراسته عبدالله شهبازی، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی، ۱۳۶۹، صص ۳۷۳ ۷- امیرعباس هویدا به روایت اسناد ساواک، ج ۲، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۴، صص ۳۱۹ ۸- خبرآنلاین، کد خبر ۵۸۵۰۶۹

رازین تا آخر به شاه وفادار ماند و در ماه های واپسین سلطنت شاه، موضع خود را درباره شاه این گونه اعلام کرد که «اگر قرار باشد در تمام دنیا نوکری کسی را بکنم نوکری شاه را می پذیرم»

